

هرچه با علم و معلمی پیوند بخورد جاودانه می‌شود

محمد دشتی

عاشق جغرافیا بود، همیشه به دنبال اخبار و اتفاقات این حوزه بودم و در بیشتر همایش‌ها و کنفرانس‌هایی که در این زمینه برای معلمان برگزار می‌شد شرکت می‌کردم و حضوری فعال داشتم.

* فقط عشق به جغرافیا بود یا احساس می‌کردید که مؤسسه گیتاشناسی، مجله رشد و معلمان می‌توانند به هم کمک کنند؟



اشاره

هر بار که نام مرحوم مهندس عباس سحاب، حاج عبداللّه بختیاری، دکتر شکویی و دیگر سفر کردگان به دیار باقی را بر زبان می‌آورد، بغض راه گلویش را می‌بندد و مانع از ادامه حرفش می‌شود. از آنان به عنوان ستارگانی یاد می‌کند که در آسمان فرهنگ و ادب ایران اسلامی درخشیدند، راه را نشان دادند و هنوز هم می‌توان در پرتو نور هدایتشان راه را از بیراهه تشخیص داد. در میانه صحبت‌هایش می‌افزاید: بزرگان و پدران ما قبل از آن‌که کار با ابزار و وسایل را به ما یاد بدهند، جوشیدن و زندگی با مردم و برای مردم را به ما آموختند. می‌گوید، در همکاری با آموزش و پرورش و مجله رشد آموزش جغرافیا، هیچ چشم‌داشت مادی نداشتیم. پدر که خود معلم بود، سفارش کرده بودند، معلمان را از یاد نبرید، آنچه با علم و معلمی پیوند بخورد ماندگار می‌شود.

در آستانه انتشار صدمین شماره مجله رشد آموزش جغرافیا، از مهندس سعید بختیاری، مدیر مؤسسه جغرافیایی و کار توگرافی گیتاشناسی خواستیم از ۲۶ سال سابقه همکاری با مجله رشد آموزش جغرافیا و مؤسسه گیتاشناسی برایمان سخن بگویند. اینک! حاصل این گفت‌وگو پیش‌روی شماست!

کلیدواژه‌ها: مؤسسه گیتاشناسی، آموزش جغرافیا، رشد جغرافیا، مهندس عباس سحاب، دکتر شکویی، کار توگرافی

* از آشنایی خودتان با مجله رشد آموزش جغرافیا و ۲۶ سال همراهی با این مجله بگویید.

□ در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ در ایران کنفرانس‌های جغرافیایی بین‌المللی، کشوری، استانی و محلی زیادی برگزار می‌شد. سمینار بین‌المللی جغرافیای جمهوری اسلامی ایران و سمینار دبیران جغرافیا در تهران از جمله این گردهمایی‌ها بود. من هم به عنوان نوجوانی که

حاضریم کارهای چاپ و تولید فنی این مجله را انجام دهیم.

* همان جا پیشنهاد شما را پذیرفتند؟

نه، پس از جلسه به اتاقی که همه دست‌اندر کاران کنفرانس از جمله آقای دکتر حداد عادل حضور داشتند، رفتیم. در آن جا هم به دوستان اعلام کردم ما حاضریم در مؤسسه گیتاشناسی بخش فنی و چاپ مجله نوپای رشد آموزش جغرافیا را برعهده بگیریم.

* شخص خاصی هم از این موضوع استقبال کرد؟

بله، بزرگانی که در آن جلسه حضور داشتند، همراهی ما را به فال نیک گرفتند. از جمله مرحوم آقای دکتر شکویی که از همان ابتدا سر‌دبیری مجله را برعهده گرفتند از این موضوع استقبال کردند. ایشان با محبتی که داشتند، فرمودند: حتماً این کار را انجام دهید، مؤسسه گیتاشناسی بهترین جا برای این کار است. این مرد بزرگ بعدها هم در انجام کارهای بزرگ به ما بسیار کمک کردند و ما مدیون خدمات صادقانه و علمی او هستیم.

* چه احساسی داشتید و چه اقداماتی انجام دادید؟

من با شور و شوق فراوان آن جلسه را ترک کردم و با مقالاتی که دوستان در دفتر تألیف تهیه کردند به‌زودی اولین شماره مجله رشد آموزش جغرافیا متولد شد و به‌حق در این سال‌ها خوش درخشید و نشان داد که زحمات و اندیشه‌های بنیان‌گذارانش را قدر دانسته و در مسیر تکاملی که برای آن پیش‌بینی شده بود، حرکت کرده است.

آنچه برای اولین شماره در اختیار ما قرار گرفت یک‌سری متن‌ها و مقالاتی بود که ما آنها را با تجربه، اطلاعات، امکانات و سابقه کاری که در این حوزه داشتیم تبدیل به اولین مجله رشد آموزش جغرافیا کردیم. در واقع قسمت‌های فنی و هنری مجله شامل حروف‌چینی، صفحه‌آرایی، لیتوگرافی، نقشه‌ها و تصاویر جغرافیایی و چاپ آن در مؤسسه گیتاشناسی انجام شد.

* از انتشار و محتوای اولین مجله چه چیزهایی به یاد دارید؟

اولین شماره مجله رشد آموزش جغرافیا در بهار سال ۱۳۶۴ با تیراژ ۷۰۰۰ نسخه منتشر شد. روی جلد مجله، کره باز شده‌ای بود که نقشه جهان را به نمایش می‌گذاشت. عکس پشت جلد هم تصویری منحصر به فرد و زیبا از یکی از جزایر صخره‌ای دریاچه ارومیه بود (تصویری که با خشک شدن دریاچه ارومیه احتمالاً به تاریخ پیوسته است).

همان‌طور که گفتیم تمام بزرگانی که در آن زمان در حوزه‌های آموزشی و آکادمیک جغرافیا منشأ اثر بودند، بی‌هیچ چشم‌داشتی به کمک آمدند. در اولین شماره که زیر نظر اعضای هیئت تحریریه منتشر شد، گزارش دیدار دبیران جغرافیای کشور با آقای هاشمی رفسنجانی

□ هر دو؛ من هم در پی علاقه‌های شخصی خودم بودم و هم اعتقادم این بود که جامعه معلمان کشور می‌توانند با بهره‌گیری از آنچه در این مؤسسه تولید می‌شود، کارشان را در حوزه جغرافیا بهتر و مؤثرتر انجام دهند و ما هم می‌توانیم در این گونه مجامع با نیازها و خواسته‌های واقعی معلمان و مسئولان آموزش و پرورش و دانش‌آموزان بهتر و بیشتر آشنا شویم.

* شخصاً حضور داشتید یا فقط مؤسسه و محصولات آن ارائه می‌شد؟

□ من در این همایش‌ها حضور داشتم و معمولاً میز یا غرفه‌ای در اختیار داشتیم و محصولات جدیدمان را که بیشتر اوقات شامل انواع مختلف کره، نقشه و کتاب‌های جغرافیایی بود، معرفی می‌کردیم. خودم سعی و علاقه داشتم که شخصاً در این جمع‌ها حضور داشته باشم و

البته چاپ نقشه‌های تهران و ایران باعث معروفیت کار ما شده بود و از بسیاری از سفارت‌خانه‌ها، کتاب‌خانه‌ها، مراکز اقامتی، مدارس و فروشگاه‌های کتاب به در منزل مسکونی ما که سازوکار چاپ نقشه و کتاب هم در آن مستقر بود، می‌آمدند و تقاضای محصولات ما را داشتند

خوشبختانه ارتباطات خوبی هم بین ما و اساتید و معلمان در این حوزه برقرار شده بود.

* از همراهی در انتشار اولین شماره مجله رشد آموزش جغرافیا بگویید. چیزی یادتان هست؟

با آن که سال‌ها از آن زمان می‌گذرد و در آستانه تولد صدمین شماره این مجله هستیم، به خوبی به یاد می‌آورم. در روزهای ۲۷ و ۲۸ دی‌ماه ۱۳۶۳ سمینار دبیران و مؤلفان جغرافیای استان‌ها با شرکت بیش از دویست نفر از دبیران جغرافیای سراسر کشور و اساتید دانشگاه و کارشناسان گروه جغرافیای دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، وزارت آموزش و پرورش در مرکز فرهنگی علامه طباطبایی برگزار شد که من هم در آن کنفرانس حضور داشتم.

در پایان این سمینار، قطع‌نامه‌ای صادر شد که در یکی از بندهای آن تصریح شده بود برای بهره‌گیری معلمان جغرافیای کشور، مجله رشد جغرافیا به چاپ برسد.

وقتی این موضوع از تریبون رسمی سمینار اعلام شد، بنده هم که دستی در کار چاپ و تولید کتاب و کاغذ داشتم، اعلام کردم، ما

امروز و در آستانه انتشار صدمین شماره از این مجله، ما هم در مؤسسه گیتاشناسی به خودمان می‌بالیم که نقشی هر چند کوچک در تولد، رشد و رسیدن این نهال سر بر آسمان کشیده و بارور، به دوران بلوغ و بالندگی داشته‌ایم

با آن که پس از چاپ شماره بیست و دوم رشد آموزش جغرافیا، کارهای چاپ و فنی مجله در آموزش و پرورش انجام شد و مؤسسه دخالتی در این موضوع نداشت، ما هیچ‌گاه همکاری خود را با مجله رشد آموزش جغرافیا قطع نکردیم. مجله رشد آموزش جغرافیا و دیگر مجلات رشد در آن سال‌ها در فروشگاه مؤسسه گیتاشناسی در خیابان انقلاب به فروش می‌رسید و در این ۲۶ سال، بنده همواره با این مجله و دوستان خوبم در این زمینه همکاری و همراهی داشته‌ام.

*** با این اوصاف در آستانه انتشار صدمین شماره از مجله‌ای که از اولین شماره با آن همراه بوده‌اید چه احساسی دارید؟**



(رئیس وقت مجلس شورای اسلامی) به چاپ رسیده بود و آقایان دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر حسین شکویی، دکتر مرتضی هنری، دکتر مسعود مهدوی، دکتر محمود روح‌الامینی، دکتر علی اصغر نظری، دکتر محمدتقی رهنمایی، دکتر ابراهیم امین سبحانی و مهندس عباس جعفری، مطالبی را به زبان قلم آورده بودند.

البته کار به این راحتی هم که من عرض کردم نبود. با امکانات کمی که وجود داشت، ما باید همه متن‌ها را حروف‌چینی می‌کردیم. عکس‌های لازم و مرتبط با هر موضوع تهیه می‌شد، مطالب و پراستاری به لحاظ اصول درست‌نویسی کنترل می‌شد و پس از تدوین متن، کپی آن برای کنترل نهایی و تأیید محتوا در اختیار نماینده دفتر تألیف قرار می‌گرفت. در آن زمان، آقای فرجی و مرحوم آقای شیخ‌الاسلامی مسئول این کار بودند و همکاران خوبم در مؤسسه هم زحمات زیادی برای این کار کشیدند.

*** هدف‌تان از همراهی در انتشار مجله رشد آموزش جغرافیا چه بود؟ یک مؤسسه خصوصی بدون محاسبه دست به چنین کاری نمی‌زند؟**

بله، ما هم هدف داشتیم و هم چیزهایی را محاسبه کرده بودیم که به برخی از آنها از جمله ارتباط با معلمان اشاره کردم. ولی محاسبه ما برای همکاری در تولید مجله آموزش رشد جغرافیا، از جنس محاسبه‌های اقتصادی و سود و زیان مرسوم نبود و همکاری ۲۶ ساله و بی‌وقفه ما این مسئله را اثبات کرده است.

ما به دنبال یک سرمایه‌گذاری معنوی در آموزش و پرورش بودیم و برای انجام این کار هیچ‌گونه چشم‌داشت مادی نداشتیم و همین که نام مؤسسه در اثری که قرار بود به دست معلمان برسد چاپ می‌شد، برایمان کافی بود. مرحوم پدرم حاج عبداللّه بختیاری معلم بود و به ما می‌گفت: کاری که به نام علم و معلم باشد ماندگار می‌شود. کم‌کم رشدهای دیگری هم مانند رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش زمین‌شناسی، رشد آموزش زبان، رشد آموزش ادب فارسی و رشد آموزش زیست‌شناسی به میدان آمدند و امکانات فنی و چاپ آنها در دفتر تألیف فراهم شد. از سوی دیگر چاپ‌خانه افسست کار چاپ این نشریات را برعهده گرفته بود و باید همه نشریات رشد در یک‌جا تدوین و چاپ می‌شد.

امروز و در آستانه انتشار صدمین شماره از این مجله، ما هم در مؤسسه گیتاشناسی به خودمان می‌بالیم که نقشی هر چند کوچک در تولد، رشد و رسیدن این نهال سر بر آسمان کشیده و بارور، به دوران بلوغ و بالندگی داشته‌ایم.

خوشبختانه مؤسسه گیتاشناسی این توفیق و افتخار را داشته است که همکاران خود را به عنوان سرمایه‌های ارزشمند و ماندگار مؤسسه، در طول سال‌های طولانی فعالیت خود حفظ کند. ما امروز افتخار داریم همکارانی را که در کنار خود داشته باشیم که بیش از چهل سال است با ما همکاری می‌کنند. برای مثال، سرکار خانم سلیمان‌شاهی که آن زمان مطالب مجله رشد آموزش جغرافیا را حروف‌چینی می‌کردند،

هنوز در این مؤسسه همکار و یاور ما هستند.

در این سال‌ها معلمان زیادی با ما همکاری داشته‌اند و حاصل عمر و دانش خودشان را برای نشر و ترویج در اختیار مؤسسه گیتاشناسی قرار داده‌اند، از جمله آقای ملک‌عباسی که از انتشار اولین نقشه تا به امروز با این مؤسسه همکاری‌های مؤثر و مفیدی داشته‌اند. حتی ایشان نسل بعد از ما را هم مورد لطف قرار داده‌اند و پسر این جانب که در رشته کار توگرافی دانشگاه آزاد تحصیل می‌کنند از راهنمایی‌های ایشان بهره‌مند شده‌اند.

کرده بود، منتشر شد. ما کتاب‌های درسی جغرافیا در کلاس‌های مختلف را مطالعه می‌کردیم و پس از تعیین نیازهای معلمان و دانش‌آموزان، اقدام به جمع‌آوری، تدوین و چاپ کتاب، اطلس و نقشه می‌کردیم. هم‌چنین اطلس گنگ جغرافیای گیتاشناسی براساس نیاز آموزشی دانش‌آموزان تهیه شده بود. بچه‌ها باید این اطلس را تهیه می‌کردند و سپس براساس اطلاعاتی که در کلاس‌های درس به‌دست می‌آوردند، اسامی کشورها، پایتخت آنها، نام شهرها، نام رودخانه‌ها و مسائلی از این دست را روی نقشه کامل می‌کردند.

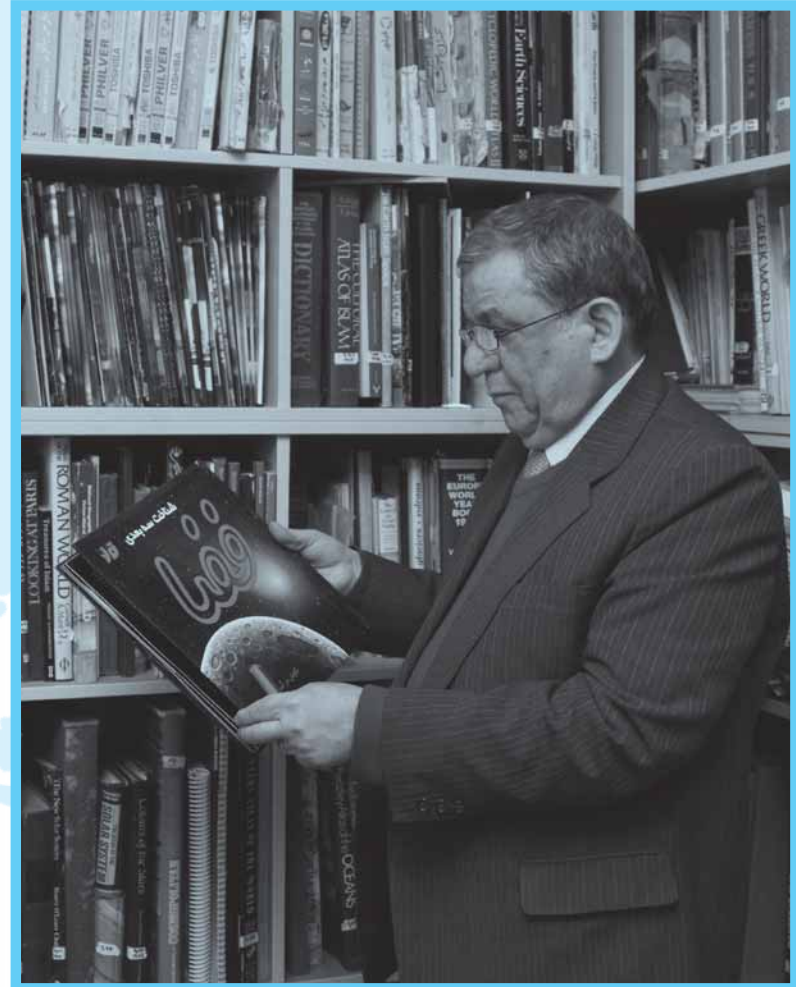
یکی از ملاک‌های اصلی برای ما در تهیه و ارائه کتاب‌ها، اطلس‌ها و نقشه‌های آموزشی مرتبط با معلمان و دانش‌آموزان، توجه و رعایت سیاست‌ها و استانداردهای آموزشی بود که از سوی آموزش و پرورش تعیین و ابلاغ می‌شد. اطلس گنگ و اطلس کامل گیتاشناسی از سوی معلمان و دانش‌آموزان و حتی خانواده‌ها بسیار مورد توجه قرار گرفت و با توجه به سیاست‌های جدید آموزشی وزارت آموزش و پرورش اطلس گنگ را پس از ده سال که از زمان چاپ اول آن می‌گذشت در مهرماه امسال با تغییرات جدید (که یکی از آنها افزودن نام سودان جنوبی به عنوان آخرین کشور استقلال‌یافته بود) برای دومین بار تجدید چاپ کردیم.

* چگونه وارد دنیای جغرافیا و کار توگرافی شدید؟

پسریچه ده‌ساله‌ای بیش نبودم که بنا به سنت آن زمان و پیشنهاد مرحوم مادرم و حمایت‌های بی‌دریغ آقای مهندس عباس سحاب، دایی بزرگوارم، جذب کار و فعالیت‌های تابستانی شدم. در آن تابستان گرم، با سن کمی که داشتم با حمایت‌های بی‌دریغ بزرگ‌تره‌ایم کارم را با یک دنیا عشق و علاقه و شور آغاز کردم. بسیار اهمیت داشت که من به عنوان فرزند بزرگ خانواده به فعالیت‌های تابستانی رو آوردم. در آن ایام اوضاع بدین شکل بود که معمولاً فرزندان بزرگ‌تر در هر خانواده‌ای راه پدر را ادامه می‌دادند. به هر شکل، آن زمان فعالیت‌های تابستانی برای جوانان اهمیت ویژه‌ای داشت. به همین دلیل در خانواده ما هم قرعه به نام من افتاد تا کارم را نزد دایی بزرگوارم، جناب آقای مهندس عباس سحاب شروع کنم که تا امروز ادامه داشته است و همه‌جا گفته‌ام که موقعیت و شرایط فعلی امروز را وام‌دار و مدیون اساتید خودم به‌ویژه، مهندس عباس سحاب هستم. همواره راه و روش و منش آن بزرگوار مدنظرم بوده است و شما عکس و تصویر آن عزیز را در این اتاق می‌بینید که همیشه در افق نگاه و دید بنده و همه همکارانم قرار دارد و به پاس احترامی که برای ایشان قائلم همواره از آن مرد بزرگ به نیکی و نیکویی یاد کرده‌ام.

* چه عاملی باعث شد جذب این حوزه شوید و در این عرصه بمانید؟

در سال ۱۳۴۳ که مؤسسه سحاب اطلس جهان در عصر فضا



* از رهاورد ارتباط با مجلات رشد، چه زمینه‌های مناسب دیگری برای همکاری با آموزش و پرورش به رویتان گشوده شده است؟

خوشبختانه از این رهگذر، توانسته‌ایم در این سال‌ها محصولاتی را ارائه کنیم که با اهداف و برنامه‌های آموزشی و سیاست‌های کلی آموزش و پرورش هم‌راستا بوده‌اند. در سال ۱۳۵۷، اطلس کامل گیتاشناسی براساس خط و مشی آموزشی که آموزش و پرورش تعیین

را چاپ کرد، نام بنده را هم در شناسنامه کتاب در کنار بزرگان آن مؤسسه به عنوان فردی که سهم کوچکی در بخش عکاسی، مونتاژ و تهیه فیلم و زینک داشت ذکر و به چاپ رساندند. ایشان در سن سیزده سالگی ام آن چنان جایگاه و شخصیتی برای من قائل شدند که شاکله کاری و حرفه‌ای من در همان سن و سال شکل گرفت و تثبیت شد. آن مرد بزرگ دقتی خاص به این نکات هر چند کوچک اما مهم داشتند و با توجه به عنایت ویژه و احترام خاصی که برای مرحوم مادر بنده و خواهر خودشان قائل بودند، تلاش می کردند تا زمینه‌های توسعه و رشد بنده را تا آن جا که ممکن است به نیکویی فراهم آورند.

با راهنمایی‌ها و تشویق‌های ایشان، روزبه‌روز عشق و علاقه به کار در حوزه جغرافیا و کارتوگرافی در بنده بیشتر می شد و خودم نیز تلاش می کردم که تا حد ممکن دانش و آگاهی‌ام را در این زمینه افزایش و توسعه دهم.

* ظاهراً عشق به کار و فعالیت در مؤسسه سحاب باعث شد از دبیرستان اخراج شوید. ماجرا چه بود؟

تحصیلاتم را در دبیرستان میرافضلی ادامه دادم. این دبیرستان در سمت دیواره شرقی مؤسسه سحاب و در خیابان ایرج قرار داشت. عشق و علاقه من به کار به گونه‌ای بود که در ساعات تفریح از مدرسه بیرون می آمدم و برای ادامه یا تکمیل کارم به مؤسسه می رفتم. این عمل به قدری تکرار شد که متأسفانه مدیر مدرسه عذر مرا خواست. البته من تلاش می کردم این موضوع از چشم خانواده و به ویژه مرحوم پدر مخفی بماند و پس از آن که چندین بار آقای مهندس سحاب حضور مرا در مدرسه ضمانت کردند، به دلیل غیبت‌های مکرر برای حضور در مؤسسه سحاب از مدرسه اخراج شدم. در آن زمان در مقطع دبیرستان سه رشته طبیعی، ادبی و ریاضی تدریس می شد و من در رشته طبیعی شبانه ادامه تحصیل دادم و دیپلم گرفتم.

* آیا این تشویق‌ها و توجه‌ها از قبیل چاپ نامتان در شناسنامه آثار، باز هم ادامه یافت؟

در سال ۱۳۴۹ که سن نوزده سالگی را پشت سر می گذاشتم، نسبت به اساتید بزرگی که در مؤسسه کار می کردند سن و سابقه کار بسیار کمی داشتم، ولی باز هم در اطلس خلیج فارس که مؤسسه آن را چاپ کرد، نامم را آوردند و باعث تشویق و دلگرمی بیشترم شد. انگار استاد عباس سحاب به شوق و ذوق من پی برده بودند و قصد داشتند این شعله فروزان علاقه‌مندی و گرایش به دانش جغرافیا را در من روشن و فروزنده نگه دارند تا کارم، ثمر و حاصل درخور توجهی داشته باشد. تشویق‌های مادی ایشان هم در کنار تشویق‌های معنوی ادامه داشت و اگر شده، با دادن یک تومان یا پنج قران (که آن زمان برای خودش پول قابل توجهی بود) تلاش می کردند بنده را تشویق و

به کار دلگرم‌تر کنند.

ایشان مطمئن بود که من پول دریافتی را برای امور خانواده و پیشبرد کارم هزینه می کنم و از طرفی نیز با مقایسه‌ای که با دیگر جوانان فامیل انجام می دادند، نشانه‌های ذوق و شوق و علاقه را در من می دیدند و دوست داشتند که من در این کار پیشرفت کنم و به درجات و مراتب عالی برسم.

البته من به دلیل حمایتی که باید با کار کردن از خانواده‌ام انجام می دادم و شوق و ذوق ذاتی که برای این کار داشتم، سعی می کردم جوابگو و قدردان توجه و عنایت‌های آن بزرگوار باشم.

در کارهایی دیگر مانند اطلس افغانستان و نقشه‌های آنتیک و منحصر به فرد دیگری هم که در آن زمان به چاپ رسید، ایشان نام بنده و دیگر همکارانی را که کوچک‌ترین نقش و همکاری داشتند، ذکر می کردند و سعی داشتند با این زمینه‌سازی و فراهم کردن زمینه‌های مناسب دیگر، ما را در کاری که در پیش داشتیم تشویق و همراهی کنند

* با این شوق و علاقه‌ای که به کار و مرحوم دایی (آقای

مهندس سحاب) داشتید، چرا از مؤسسه سحاب جدا شدید؟
در سال ۱۳۵۱ تصمیم گرفتم تحصیلاتم را تمام کنم و خدمت سربازی را نیز انجام دهم. نزد آقای مهندس سحاب رفتم تا برای ادامه تحصیل و خدمت سربازی‌ام اجازه بگیرم. به دلیل آشنایی که با کارها داشتم، بخشی از مسئولیت انجام کارها برعهده‌ام بود، ولی به لحاظ شخصی شرایطی داشتم که باید مؤسسه سحاب را ترک می کردم. به همین دلیل مؤسسه سحاب را ترک گفتم. پس از آن موفق شدم مدرک دیپلم بگیرم و به دلیل این که داوطلب‌های هم‌سن من در آن مقطع نیروی مازاد بر نیاز اعلام شدند از خدمت سربازی هم معاف شدم.

* کار جدیدتان را در شرایط تازه‌ای که به وجود آمده بود چگونه آغاز کردید؟

با تجربه‌ای که اندوخته بودم با کمک مرحوم پدرم که معلم ادبیات بودند و پنج نفر از برادران خوبم، کار جدید را در یک منزل مسکونی در پشت مسجد سپهسالار، میدان بهارستان، خیابان عین‌الدوله، کوچه معزالدوله، شماره ۱۷ پایه‌گذاری کردیم. انگار شرایط برای انجام کاری مستقل فراهم شده بود.

در آن مقطع ابزار ما فقط اراده و پشتکار و عزمی بود که برای انجام کار داشتیم. واقعاً کار را با تهی‌دستی، ولی با اتکا بر اراده و اعتمادبه‌نفس شروع کردیم و با تلاش و سخت کوشی آن را به سرانجام رساندیم. ما از آبنبار آن منزل مسکونی به عنوان تاریخ‌خانه برای انجام کارهای فنی استفاده می کردیم و می کوشیدیم از کمترین امکانات بیشترین بهره را ببریم.

بله، نمونه‌های آن نقشه وجود دارد. البته انجام چنین کاری خیلی هم دور از انتظار نبود. مسئله ما هم چاپ آن نقشه و کارهای مشابه از طرف رقبا نبود. ما این وضعیت را پیش‌بینی کرده بودیم. مسئله این بود که ما با وجود چنین مسائلی بتوانیم به کارمان ادامه دهیم، روی پای خودمان بایستیم و محصولی را تولید کنیم که بتواند در بازار رقابت، جای خودش را باز کند. ما آن زمان هم انرژی خود را بابت جلوگیری از چنین کاری صرف نکردیم و امروز هم پس از گذشت سال‌ها تمایلی ندارم به نام و مشخصات کسانی که آن نقشه را چاپ کردند، اشاره کنم.



مرحوم پدرم در توسعه و رشد این کار بسیار مؤثر بودند و تلاش می‌کردند ما پنج برادر (سعید، مجید، حمید، وحید و فرید) متحد و یکدل این کار را ادامه و گسترش دهیم.

خشت بنای این مؤسسه را با همکاری پدر، برادرانم و آقای نادر حاتمی (که نقشی مهم در مؤسسه داشتند و چهل سال است که با ما همکاری می‌کنند) گذاشتیم

* در جایی خواندم که مؤسسه شما تا

مدتی به نام مؤسسه جغرافیایی و کار توگرافی جهان فعالیت می‌کرد. چرا نام جهان را ثبت نکردید؟

بله، درست می‌فرمایید. این ماجرا هم برای خودش قصه‌ای دارد. من و دیگر برادران با حمایت‌های پدر و تشویق‌های ایشان مؤسسه جغرافیایی و کار توگرافی جهان را راه‌اندازی کردیم، ولی پس از چند سال که برای ثبت آن مراجعه کردیم، گفتند به دلیل وجود نام‌های مشابهی مانند روغن نباتی و پتوی جهان، امکان نام‌گذاری مؤسسه ما با عنوان جهان وجود ندارد. با این که ۶ سال با عنوان مؤسسه جغرافیایی و کار توگرافی جهان فعالیت کرده بودیم، مجبور شدیم مؤسسه را بدون قید واژه جهان به ثبت برسانیم.

* حیف شد! جهان نام فشنگی برای یک مؤسسه جغرافیایی بود. از نقشه‌های بعدی بگویید.

بله، علی‌رغم پی‌گیری‌های مرحوم پدر، این نام را برای ثبت قبول نکردند. پس از آن، نقشه فارسی تهران را به چاپ رساندیم که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. سپس نقشه فارسی ایران را چاپ کردیم. کارها داشت خوب پیش می‌رفت که متأسفانه با نامه‌ای که به سازمان جغرافیایی کشور ارسال شده بود روبه‌رو شدیم و مشکل جدیدی رخ نمود. شایع شده بود که جوانی در ایران نقشه‌های غیراستاندارد و غیرعلمی را چاپ می‌کند و در اختیار گردشگران قرار می‌دهد به گونه‌ای که موقعیت پادگان‌های نظامی را هم در نقشه معرفی کرده است. داشتیم با مشکل جدی روبه‌رو می‌شدیم که می‌توانست کار را با وقفه روبه‌رو کند.



از همان آغاز کار، سدهای بتنی از مشکلات و سختی‌ها در مقابل ما ایجاد شد، ولی ما اعتقاد داشتیم کاری را که آغاز کرده‌ایم باید به سرانجام برسانیم و آماده بودیم که بهای آن را هم بپردازیم.

* از شرایط کاری آن زمان و اولین نقشه‌هایی که چاپ کردید، بگویید.

قرار بود بازی‌های آسیایی در تهران انجام شود. ما چون به کارمان اعتقاد داشتیم، با اعتماد بالا، اولین نقشه را به زبان انگلیسی به چاپ رساندیم.

می‌دانستیم بازیکنان و توریست‌هایی که برای انجام و تماشای بازی‌ها به تهران می‌آیند برای شناسایی و دسترسی به هتل‌ها و دیگر مراکز نیاز به نقشه‌ای کامل دارند که بتوانند به راحتی در شهر تردد و از امکانات موردنظر استفاده کنند.

* همه کارها همان جوری که شما می‌خواستید، پیش می‌رفت؟

نه دقیقاً به صورتی که ما می‌خواستیم. نقشه‌ای را که تهیه کرده بودیم با قیمت ۵ تومان می‌فروختیم، ولی هم‌زمان با چاپ این نقشه، نقشه‌های دیگر عین همان نقشه چاپ و به رایگان در سطح هتل‌های شهر توزیع شد. نقشه‌شان هم این بود که با این کار، کسی دیگر نقشه ما را نخرد. کار ما سخت شده بود، ولی ما متوقف نشدیم و به کارمان ادامه دادیم.

* آیا نمونه‌ای از آن نقشه را دارید؟ چه کسی یا مؤسسه‌ای این کار را کرده بود؟

* یعنی کارتان را متوقف کردند؟

سخت کوشی است که امیدوارم در نوع خود برای این مردم و این مرز و بوم مفید بوده باشد. پس از سال‌ها تلاش در سال ۱۳۵۶ پدر توانستند با استفاده از یک فقره وام بانکی آپارتمانی کوچک و قدیمی را در خیابان استاد شهریار (کنونی) با سختی خریداری کنند.

نه، کار متوقف نشد. روزی از سازمان جغرافیایی کشور، که زیر نظر ارتش بود، بنده را خواستند تا بروم و در مورد کارم توضیح بدهم. من مراجعه کردم و تیمسار صادقیان نامه‌ای را که در آن چیزهایی علیه فعالیت‌های ما نوشته شده بود، نشانم دادند و توضیح خواستند. بعد از خواندن نامه در مورد سابقه کار و اهداف مثبت و مفیدی که داشتیم توضیح دادم و جالب این که نه تنها کار متوقف نشد، بلکه با روشن شدن کار و توصیه‌ای که یک نفر از آشنایان کرده بود، سازمان جغرافیایی کشور نامه و مجوزی را مبنی بر اجازه چاپ نقشه و فعالیت در این حوزه به بنده دادند.

* اطلس کامل گیتاشناسی از کارهای موفق این مؤسسه بوده است و چندین بار هم تجدید چاپ شده است. از این اطلس بگویید.

ما اولین اطلس کامل گیتاشناسی را در سال ۱۳۵۷ به چاپ رساندیم و این اطلس به عنوان یک کار موفق تا این سال‌ها با افزودن مطالب جدید، هم‌چنان تجدید چاپ شده است. این اطلس در بین معلمان، دانش‌آموزان، حتی خانواده‌ها طرفداران زیادی داشته است و ما به همین دلیل تلاش کرده‌ایم این اطلس را با افزودن اطلاعات جدید همواره با جدیدترین اطلاعات، تجدید چاپ و در اختیار مخاطبان قرار دهیم.

* آن نامه یا مجوز را هنوز هم دارید؟ در نامه چه چیزی نوشته شده بود؟

بله، آن را به عنوان یک سند نگه داشته‌ام. در این نامه و مجوز کار که در حدود چهل سال پیش تیمسار صادقیان آن را نوشتند و امضا کردند، ذکر شده بود که ما مجازیم با رعایت استانداردها و قوانین مربوط، اقدام به چاپ نقشه و فعالیت‌های مرتبط کنیم. این برخورد و صدور چنین نامه‌ای باعث دلگرمی و تشویق بنده شد و افق‌هایی جدید را برای فعالیت‌های وسیع‌تر و گسترده‌تر به رویمان گشود. هراسی که از برخی اقدامات سودجویانه وجود داشت از بین رفت و ما به انجام کارهای بزرگ‌تر تشویق شدیم.

* ظاهراً شما در این سال‌ها بیشتر وقتتان را صرف رتق و فتق کارهای مؤسسه کرده‌اید؟

بله، نیاز هم بود. اداره چنین مؤسسه‌ای که هم باید جواب مخاطبان و مشتریان خودش را می‌داد و هم کارش را توسعه می‌بخشید کار آسان و ساده‌ای نبود. همان‌گونه که انجام هیچ کار بزرگی آسان نیست. تحصیل و ازدواج و پی‌گیری کارهای جاری هم ما را سخت مشغول کرده بود و شرایط سنی برادران نیز به گونه‌ای نبود که بتوانند مؤسسه و کارهای فراوان آن را به انجام برسانند. اما اراده‌ای که برای انجام کار وجود داشت و اتحاد و همبستگی بین برادران، موجب شد همه مشکلات را پشت‌سر بگذاریم و کار را توسعه دهیم.

این نامه برای من به عنوان یک نوجوان ۲۱ ساله، سرآغازی نو در کار و تلاش بود و از آن به بعد به نوعی، سیر تکاملی کار شروع شد و ما توانستیم زمینه‌های مناسب‌تری را برای ادامه کار فراهم آوریم.

* و با این اتفاقات کم‌کم معروف شدید؟

البته چاپ نقشه‌های تهران و ایران باعث معروفیت کار ما شده بود و از بسیاری از سفارت‌خانه‌ها، کتاب‌خانه‌ها، مراکز اقامتی، مدارس و فروشگاه‌های کتاب به در منزل مسکونی ما که سازوکار چاپ نقشه و کتاب هم در آن مستقر بود، می‌آمدند و تقاضای محصولات ما را داشتند، اما این اتفاقات هم در معرفی کار بی‌تأثیر نبود.

* الان وضعیت مؤسسه چگونه است؟ اشاره‌ای هم به افتخاراتی که به عنوان یک مؤسسه جغرافیایی و کار توگرافی ایرانی در سطح جهانی داشته‌اید، بفرمایید.

در حال حاضر ما در دو ساختمان واقع در خیابان کریم‌خان و ساختمان پارک دانشجو ۳۲ نفر پرسنل داریم و تاکنون بیش از ۱۷۰۰ نوع اثر، شامل نقشه، کتاب، کره و اطلس چاپ کرده‌ایم. برخی از این آثار جنبه بین‌المللی دارند و در مسابقات و نمایشگاه‌هایی که در سطح جهان برگزار شده‌اند، جوایزی را به خود اختصاص داده‌اند. یکی از کارهای ما در یک کنفرانس کار توگرافی جهانی در سال ۲۰۰۱ در بارسلون به عنوان بهترین نقشه دیواری جهان برگزیده شد.

* چه کسانی در توسعه کار نقش داشتند؟

مرحوم پدرم در توسعه و رشد این کار بسیار مؤثر بودند و تلاش می‌کردند ما پنج برادر (سعید، مجید، حمید، وحید و فرید) متحد و یکدل این کار را ادامه و گسترش دهیم.

* چه انگیزه‌ای باعث شد نقشه راه‌ها و جغرافیای دیگر کشورها را چاپ کنید؟ اصولاً این کار را از کجا آغاز کردید؟

در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، مؤسسه ما نقشه‌ای به نام

خشت بنای این مؤسسه را با همکاری پدرم، برادرانم و آقای نادر حاتمی (که نقشی مهم در مؤسسه داشتند و چهل سال است که با ما همکاری می‌کنند) گذاشتیم و آنچه امروز می‌توانیم با افتخار تقدیم هم‌میهنان و کشور بزرگ ایران کنیم، حاصل سال‌ها تلاش و



*** پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم صدام هشت سال جنگ را بر ما تحمیل کرد. آیا این موضوع تأثیری در تولیدات این مؤسسه داشت؟**

بله، بالاخره جنگ تبعات خودش را در همهٔ زمینه‌ها به جا گذاشت. در زمان وقوع جنگ، یک دفعه نیاز مردم به نقشه‌های دو کشور ایران و عراق زیاد شد. مردم می‌خواستند ببینند و بدانند که حملات جنگی یا بمباران‌های هوایی عراقی‌ها در چه نقاطی بوده است. به همین دلیل در ایام

جنگ، نقشه‌های متعددی چاپ شد و کاربرد فراوانی داشت. در اوایل زمان جنگ، مؤسسهٔ گیتاشناسی برای اولین بار نقشهٔ عراق را به دو خط فارسی و انگلیسی چاپ کرد. این نقشه به خصوص در خارج از ایران بسیار مورد استفاده بود و ما آن را در حجم انبوه با پست DHL به خارج از کشور می‌فرستادیم.

*** در آغاز کار به لحاظ امکانات حرفه‌ای کار در چه وضعیتی بودید؟**

زمانی که کارمان را شروع کردیم، اصلاً وسایل کاری مدرنی نداشتیم. ما کارمان را با وسایل بسیار ابتدایی که شامل یک تاریکخانه و امکانات جزئی مانند فیلم‌های مثبت و منفی، رایپد، گونیا، تول هولدر، اسکرایب و گل روتوش بود، آغاز کردیم.

*** خط راهنمای اصلی شما برای تولید محصولاتتان چیست؟**

ما در کارهایمان علاوه بر نیازهای آموزشی به نیازهای کشور هم توجه زیادی داریم. در حقیقت، نیازهای مردم در حوزهٔ جغرافیا و گیتاشناسی خط راهنمای تولیدات ماست و تلاش می‌کنیم همراه با آخرین تغییرات انجام شده، محصولاتمان را به‌روز کنیم و با بهره‌گیری از جدیدترین امکانات، با کیفیت‌ترین تولیدات را در زمینهٔ کار خودمان ارائه دهیم.

برای مثال در پی اعلام تشکیل استان جدید البرز، ما در دو ماه گذشته دو نقشهٔ جدید استان البرز را چاپ کرده‌ایم. یکی از این نقشه‌ها نقشهٔ سیاسی و اداری این استان است که به صورت دیواری چاپ شده است. این نقشه برای استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و مراکز اداری و اجرایی کاربرد دارد. دیگری هم نقشهٔ توریستی استان البرز است. چند سال پیش هم با تقسیم استان خراسان بزرگ به سه استان خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی، نقشه‌های مناسب و جدید این استان‌ها را طراحی و چاپ کردیم. الان هم که حدود پنجاه

راه‌های تهران به اروپا را به خط فارسی چاپ کرد. از آن‌جا که در آن دوران سفر به اروپا آسان بود و مشکلات ویزا و هزینه‌های سنگین امروزی مطرح نبود، این نقشه بسیار مورد استقبال قرار گرفت. این نقشه که به قیمت ۱۲۰ ریال فروخته می‌شد، آن زمان به چاپ‌های متعدد رسید و هر گردشگری که قصد سفر به اروپا را داشت حتماً نسخه‌ای از این نقشه را تهیه می‌کرد. بعد از آن ما نقشهٔ شهر لندن را چاپ کردیم. در آن دوران به دلیل ارزانی سفر، عدهٔ زیادی از مردم این امکان را داشتند که به بسیاری از کشورها

سفر کنند. داشتن نقشه‌ای به زبان فارسی کمک بزرگی برای آنان بود و در برخی موارد که افراد به زبان کشور مقصد آشنایی نداشتند به آنان بسیار کمک می‌کرد. جالب است که بدانید چون تغییرات اسامی در شهرهای قدیمی مثل لندن کم است، هنوز هم این نقشه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

بعد از آن هم نقشهٔ ایالات متحده آمریکا را چاپ کردیم که آن هم به دلیل مرادفات و رفت‌وآمدهایی که در آن زمان وجود داشت، بسیار مورد استقبال قرار گرفت.

در ادامهٔ همین استقبال‌ها، ما نقشه‌ای به زبان فارسی برای برخی کشورها، با شمارهٔ راه‌ها و کد هر ایالت چاپ کردیم تا کسانی هم که با اتومبیل مسافرت می‌کنند، بتوانند به راحتی از آن استفاده کنند.

آخرین نقشه‌ای که در مورد کشورهای خارجی چاپ کردیم نقشهٔ توریستی کشور ترکیه بود. البته ما این نقشه را برای دومین بار با استفاده از امکانات کامپیوتری چاپ کردیم. مقایسهٔ این دو نقشه که یکی از آنها مربوط به شش ماه پیش و دیگری مربوط به سی سال پیش است، نشان می‌دهد که در این سه دهه چه پیشرفت‌های شگفت‌آوری در زمینهٔ طراحی، تدوین و چاپ نقشه‌ها به وجود آمده است و از نظر هنر کار توگرافی و امکانات کامپیوتری، اتفاقات شگرفی رخ داده است که ما سعی کرده‌ایم هماهنگ با پیشرفت‌های نوین از این امکانات جدید بهره بگیریم و تا حد ممکن با زمان پیش برویم.

در گذشته و زمانی که هنوز آلمان شرقی و غربی متحد نشده بودند، ما نقشهٔ این کشورها را با استفاده از امکانات دستی تهیه کرده بودیم و چند سال قبل، پس از اتحاد این دو کشور و برداشتن دیوار معروف برلین، ما این نقشه را با استفاده از امکانات رایانه‌ای دوباره به زبان فارسی با شمارهٔ راه‌ها و کد شهرها و انواع و اقسام جاذبه‌های توریستی و سمنبل‌های جغرافیایی چاپ کردیم.

زمانی هم مردم برای رفتن و دیدن جاذبه‌های توریستی کشور نیوزیلند انگیزهٔ زیادی پیدا کرده بودند که ما نقشهٔ راهنمای کوچکی را برای این کشور چاپ کردیم.

روز تا آغاز سال جدید مانده است، نقشه جدید راه‌های کشور در سال ۱۳۹۱ را در دست طراحی و چاپ داریم.

از سال ۱۳۶۰ تاکنون اطلس راه‌های ایران تاکنون ۳۱ بار تجدید چاپ شده است.

البته ما در هر بار تجدیدنظر، اطلاعات جدیدی را به این مجموعه می‌افزاییم و هر چاپ جدید نسبت به چاپ قبلی مطالب کامل‌تری دارد.

اولین نسخه اطلس راه‌های ایران، رایانه‌ای نبود و قیمت آن چهارصد ریال بود. آخرین نسخه‌ای که به‌زودی به چاپ خواهد رسید، اطلاعات کامل راه‌های ایران را هم دارد.

این اطلس، بهترین، کامل‌ترین و کاربردی‌ترین اثری است که در چهل سال گذشته، در مؤسسه گیتاشناسی به چاپ رسیده و به علاقه‌مندان عزیز تقدیم شده است.

* با چنین نگاه و جایگاهی از منزلت و شأن مشتری در نزد مؤسسه گیتاشناسی، مردم چه بر خور دی با شما و محصولات مؤسسه داشته‌اند؟

ما در طول این چهل سال همیشه از سوی مردم حمایت، پشتیبانی و تشویق شده و هیچ‌گاه از همراهی و توجه آنان محروم نبوده‌ایم. دلیل ماندن و پایدار ماندن این مؤسسه، تماس‌ها، تذکرات و حمایت‌های مردمی بوده است که با خرید محصولات و تولیدات ما باعث ماندگاری این مجموعه شده‌اند. متقابلاً ما هم همیشه به خواسته‌ها، نیازها و شرایط فرهنگی و اجتماعی مردم و جامعه توجه داشته‌ایم و سعی کرده‌ایم در همه کارهایمان، نیازی را پاسخ دهیم یا احتیاجی را رفع کنیم.

در این سال‌ها، از بین مردم، مشاوران و همکارانی پیدا کرده‌ایم که به رایگان و به صورت افتخاری کارهای ما را مورد توجه قرار داده، نقد کرده و آن را به کمال رسانده‌اند. هر اثری را که چاپ می‌کنیم، یک نسخه آن را کنار می‌گذاریم و تغییرات، اصلاحات یا اشتباهات احتمالی را که در اثر وجود دارد و مردم تذکر داده‌اند روی آن اعمال و در اولین چاپ اصلاح می‌کنیم. در عین حالی که همکاران ما به سؤال‌های مردمی پاسخ می‌دهند، خودم خیلی اصرار دارم که در صورت حضور در مؤسسه پاسخگوی این ابراز محبت‌ها باشیم و با مردم عزیز صحبت و گفت‌وگو کنیم.

* می‌توانید به یکی، دو مورد از این ارتباطات مردمی اشاره کنید؟

ما معمولاً نامه‌های مخاطبان عزیزمان را ثبت و نگه‌داری می‌کنیم. دوستی داریم که در این پنج سال اخیر از مشهد برای ما ۲۸ نامه نوشته است. آخرین نامه ایشان در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲۰ رسیده است که درباره راه‌ها، اشکالاتی گرفته‌اند و ما آنها را اصلاح کرده‌ایم.

بیشتر این دوستان عزیزانی هستند که به ایران علاقه‌مندند، دستی در کار گردشگری دارند و مناطق مختلف کشور را می‌شناسند و چون می‌دانند ما به نظرات و راهنمایی‌های آنان توجه می‌کنیم، اشکالات کارهای ما را با محبت و دلسوزی تذکر می‌دهند.

کار ما اتکای زیادی به این افراد دارد و در واقع این شبکه اطلاعات مردمی به ما کمک می‌کند که در کمترین زمان ممکن و با درجه اطمینان بالا بتوانیم از اشکالات احتمالی (که معمولاً در کارهای بزرگ وجود دارد) مطلع شویم و آنها را رفع کنیم.

ما اطلاعات پایه‌ای و منابع و مآخذ خود را از سراسر ایران و ادارات مختلف دولتی مرتبط مانند اداره راه‌ها، دفتر تقسیمات کشوری، شهرداری‌ها و بروشورهای مختلفی که حاوی اطلاعات مفید و مستند هستند کسب می‌کنیم.

چند روز پیش از کمیجان فراهان با ما تماس گرفته بودند و سؤال می‌کردند، چرا نام این روستا در این منطقه در اطلس ایران ذکر نشده است؟ ما بررسی کردیم و نام روستا در اطلس مرجع دیگری بود و ایشان بعدها با مراجعه به فروشگاه مؤسسه، این اطلس را تهیه و بسیار تشکر کردند.

نام این روستا را که سیزده شهید عزیز داده بود، در اطلس راه‌های کشور ذکر نکرده بودیم که عزیزان تماس گرفتند و ما با عذرخواهی آن را اصلاح کردیم. در اشتباهاتی هم که پیش می‌آید، هیچ قصد و غرضی در میان نیست. ما در ایران بیش از شصت هزار روستا و شهر و منطقه داریم که در این میان و در کارهایی که با مقیاس کوچک‌تر تهیه می‌شوند بروز این اشکالات اجتناب‌ناپذیر است.

ما این کار را با علاقه و عشق انجام می‌دهیم. جاذبه‌ای که در جغرافیای عشق وجود دارد و از کودکی و نوجوانی ما را مسحور خود کرده است، راهنمای ما و چراغ روشننگری است که مسیر روشن خدمت به مردم را در پیش پای ما قرار داده است و ما به شکرانه توجه و عنایت الهی که در همه این سال‌ها یار و یاورمان بوده است، همراهی و همگامی مردم را در این مسیر قدر می‌دانیم و ارج می‌نهیم.

مردم سرمایه معنوی و تمام‌نشدنی این مؤسسه و محور تمامی فعالیت‌های ما هستند و از خداوند متعال می‌خواهیم که توفیق همراهی این عزیزان را هیچ‌گاه از ما دریغ نفرمایند.

ما حتی از اطلاعات یک برگ بریده روزنامه هم غافل نیستیم. برای مثال به تازگی یک خط هوایی به مقصد شهر ارومچی برقرار شده است که ما آن را به اطلاعات در دست آماده‌سازی خود اضافه کرده‌ایم.

* از سازمان‌ها و ادارات و ارگان‌های دولتی هم بازخوردی نسبت به کارتان داشته‌اید؟

فراوان؛ برای مثال چند روز پیش در نامه‌ای که از نیروی دریایی در خارک به دستمان رسید، تذکر داده بودند که اطلاعات مربوط به فاصله بین شهرها در اطلس ۱۳۹۰ در بخش جدول کیلومترها اشکال

دارد. این جدول ۱۸۰۰ خانه دارد، بنده خودم حدود ۱۵ روز روی این جداول کار کردم و اشکالات آن را برطرف کردیم تا نسخه اصلاح شده در اطلس ۱۳۹۱ به چاپ برسد.

* چه شد که موضوع «معرفی کشورها» را برای نوشتن در رشد آموزش جغرافیا انتخاب کردید؟

در سال ۱۳۵۷ زمانی که اطلس کامل گیتاشناسی چاپ شد، در انتهای آن اطلاعات شناسنامه‌ای کشورها چاپ شده بود. زمانی که می‌خواستیم مطالبی برای مجله رشد آموزش جغرافیا بنویسیم با خودم فکر کردم موضوعی را انتخاب کنم که مورد استفاده همه مخاطبان باشد و بتواند ادامه داشته باشد، بنابراین موضوع معرفی کشورها را انتخاب کردم و در این سال‌های طولانی نوشتن در این خصوص تداوم داشته است و در هیچ زمانی من نوشتن برای رشد آموزش جغرافیا را ترک یا فراموش نکرده‌ام. مطلب مربوط به شماره اول را با عنوان «چهره آب گونه زمین» آقای مهندس عباس جعفری نوشتند و بنده از دومین شماره، نوشتن درباره معرفی کشورها را از کشور آرژانتین شروع کردم و در حال حاضر به کشورهایمانند زیمبابوه و ژاپن رسیده‌ام.

* استقبال مخاطبان از انتشار اولین شماره رشد آموزش جغرافیا چگونه بود؟

انتشار مجله رشد آموزش جغرافیا برای اولین بار در ایران، کاری مؤثر و بسیار بزرگ بود.

این مجله از سوی مخاطبان هم با استقبال روبه‌رو شد به طوری که وقتی اولین شماره مجله با تیراژ ۷۰۰۰ نسخه منتشر شد، اظهار نظرهای زیادی به دفتر مجله رسید و شماره دوم مجله با تیراژ ۱۰/۰۰۰ نسخه منتشر شد. به نظرم چنین تیراژی در زمینه چاپ و انتشار کتاب و نشریات جغرافیایی در کشور تا آن زمان بی‌سابقه بود.

در همین ارتباط مرحوم آقای دکتر شکویی در «یادداشت سردبیر» در مجله شماره ۳ آموزش رشد جغرافیا که در پاییز سال ۱۳۶۴ به چاپ رسید، به این موارد اشاره کرده‌اند.

در سال ۱۳۶۴ نشریه‌ای که بتواند با آن تنوع به موضوعات جغرافیایی از نگاه اساتید و صاحب نظران بپردازد، وجود نداشت. از سوی دیگر، آن سنگ بنای محکم باعث شده است که این مجله بدون وقفه در ۲۶ سال منتشر شود و به شماره صدم برسد که در نوع خودش کار بسیار بزرگی است.

من وظیفه خودم می‌دانم از مسئولان محترم وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی و همکاران خوبم در هیئت تحریریه مجله رشد آموزش جغرافیا، که در این سال‌ها با حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها و تلاش‌های خود باعث شده‌اند این مجله پویا و سرزنده به راه و هدف خود ادامه دهد، تشکر کنم.

هم‌چنین باید یادی کنم از استاد و راهنمای بزرگ حوزه جغرافیا، مرحوم آقای دکتر حسین شکویی و همه گذشتگانی که با قدم و قلم خود، این درخت تنومند امروز و نهال نوپای دیروز را آبیاری و باغبانی کردند تا امروز مسافران جغرافیای عشق بتوانند دمی در سایه‌سار آن بیاسایند و از آن بهره گیرند.

شاید نتوانیم مجله رشد آموزش جغرافیا را با مجله نشنال جغرافی که عمری صدساله دارد مقایسه کنیم، ولی باید انصاف داد که این مجله در جایگاه خودش و به نسبت امکانات و موقعیتی که داشته است، خوش درخشیده است که امیدواریم با گام گذاشتن به دوران کمال بیش از پیش بدرخشد و مفید واقع شود.

* جدای از سفارش پدر بزرگوار تان، چه موضوعی باعث شد همکاری با آموزش و پرورش را تجربه کنید؟

جدای از سفارش مرحوم پدر، آنچه باعث شد ما به سمت آموزش و پرورش گرایش پیدا کنیم، تجربه‌ای بود که از ارتباط با مردم داشتیم. مؤسسه ما یک مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی بود. کالای لوکس تولید نمی‌کرد و مشتریانش خاص نبودند. بنابراین ما نیاز داشتیم که با مشتریان و سرمایه‌های معنوی خود ارتباط داشته باشیم و چه جایی بهتر از آموزش و پرورش می‌توانست ما را در رسیدن به این هدف کمک کند. هیچ بنگاه انتشاراتی بدون تأمین هزینه‌های خود قادر به ادامه حیات نیست، ولی قصد ما از ارتباط با آموزش و پرورش سوداگری نبود. ما اگر فضا و سرمایه‌ای را که در سال‌های اخیر برای استقرار و فروش محصولاتمان اختصاص داده‌ایم، در دیگر فعالیت‌های اقتصادی زودبازده به کار می‌گرفتیم، بدون شک سودآوری بیشتری داشتیم، ولی از آن جا که اهداف فرهنگی و اجتماعی دیگری را تعقیب می‌کردیم و از سویی مردمی را داشتیم که به ما انرژی و انگیزه بیشتری برای ادامه فعالیت می‌دادند، با همه مشکلات و با افتخار کارمان را ادامه می‌دادیم و تا زنده‌ایم فعالیت در زمینه جغرافیا و کار توگرافی و نوشتن برای رشد جغرافیا را ترک نخواهیم کرد.

* قصد نداریم مؤسسه‌ای را که شعارش «با مردم و برای مردم است» بیشتر به مخاطبان و مشتریان خود معرفی کنید؟

امیدواریم که بتوانیم در آستانه چهل سالگی فعالیت‌های مؤسسه گیتاشناسی، کتابی روشنگر و مفصل درباره مؤسسه، سابقه فعالیت‌های آن و بزرگواری که با مؤسسه ما در سطوح مختلف همکاری کرده‌اند به چاپ برسانیم تا ضمن قدرشناسی از این عزیزان، سابقه‌ای مکتوب از سال‌ها فعالیت و تلاش سخت‌کوشانه را برای آیندگان به یادگار بگذاریم.

* فعالان حوزه جغرافیا و کار توگرافی در سطح جهانی تلاش‌های زیادی برای معرفی خود دارند. آیا در این فعالیت‌ها که بیشتر هم‌جنبه اطلاع‌رسانی و معرفی دارد، نشانی از



* در حال حاضر در ایران به لحاظ تولید نقشه و کارهای

کار توگرافی چه جایگاهی داریم؟

ما در حال حاضر درباره نقشه‌های ایران‌شناسی، زمین‌شناسی، خاک‌شناسی، گردشگری و جغرافیایی، کار کار توگرافی و هنر طراحی نقشه در جهان و به خصوص کشورهای خاورمیانه وضعیت خوبی داریم. نسبت به افغانستان، پاکستان، آذربایجان و ترکیه وضعیت بسیار خوبی داریم و برخی کشورها مانند عراق در این زمینه اصلاً وضعیت خوبی ندارند و فاقد نقشه‌های مناسب هستند. کشورهایی مانند عربستان و بحرین هم فاقد مؤسسات نقشه‌کشی مستقل‌اند. برای مثال ما اطلسی از کشور عراق داریم که جورج فیلیپ آن را در انگلستان تهیه کرده است یا اطلسی از کشور پاکستان داریم که در خارج از آن کشور تهیه شده است. نقشه‌های کشور بحرین هم در انگلستان چاپ شده است. هم‌چنین اطلس دیگری از کشور عربستان وجود دارد که در یک مؤسسه آمریکایی تهیه شده است.

ما در هنر نقشه‌کشی و کار توگرافی در سطح خاورمیانه مقام اول را داریم.

همین امروز عصر یک نفر از سفارت عراق برای خرید نقشه عراق به مؤسسه آمده بود و ما نقشه‌های موجود را در اختیارش قرار دادیم. من از ایشان خواستم که اگر برایشان ممکن باشد، نقشه‌هایی از بغداد و عراق را برایشم بیاورد. خیلی کنجکاو هستم که ببینم این سال‌ها در عراق چه اتفاقی در خصوص مسائل جغرافیایی و کار توگرافی افتاده است.

البته این کار و چاپ اطلس برای دیگر کشورها سابقه طولانی دارد و سال‌ها قبل، مهندس عباس سحاب، اطلس افغانستان را برای یونسکو

مؤسسات ایرانی، در این حوزه دیده می‌شود؟

امروز بعد از ظهر بسته‌ای از یک مؤسسه کار توگرافی در آمریکا به دستم رسید که یک جلد مجله پورتلند هم داخل آن بود. این مجله فعالیت‌های جغرافیایی و کار توگرافی جهان را انتشار می‌دهد. در یکی از صفحات این مجله، مؤسسه گیتاشناسی ایران و نقشه‌های چاپ شده آن را معرفی کرده است.

این کار به صورت رایگان انجام می‌شود و باعث مباحث است که یک مؤسسه ایرانی می‌تواند در خصوص کار توگرافی در سطح جهانی حرفی برای گفتن داشته باشد.

چندی پیش ما هجده عدد نقشه برای مجله پورتلند فرستادیم تا در نشریات جدیدشان آنها را معرفی کنند. سال ۲۰۰۱ نیز در پکن یک کنفرانس کار توگرافی برگزار شد که بنده هم در آن شرکت داشتم. در آن نمایشگاه کتابی دیدم که نقشه‌سازهای جهانی را معرفی کرده بود و جالب این‌که از ایران هم مؤسسه گیتاشناسی به عنوان نقشه‌ساز معرفی شده بود.

موضوع دیگر که بنده در روزهای پایانی سال ۲۰۱۱ با آن مواجه شدم، این بود که یکی از نقشه‌های شهری ما به نام نقشه مناطق شهرداری کرج، که برای اولین بار چاپ شده بود، از طرف سازمان نقشه‌برداری کشور به کنفرانس جهانی کار توگرافی ICA که در پاریس برگزار شده بود ارسال و در بین ۲۵ مؤسسه جغرافیایی در سطح جهان به عنوان بهترین نقشه برنده جایزه شد.

بعدها هم این نقشه به صورت رایگان به مدت یک ماه روی سایت کنفرانس قرار گرفت.

* در مؤسسه گیتاشناسی، اولین ارتباطها با دنیای خارج

چگونه کلید خورد؟

فعالیت ما یک زمینه جهانی و فراملی دارد. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که کاری مانند فعالیت در زمینه جغرافیا و کار توگرافی بدون ارتباطات بین‌المللی عملاً مقدور نیست. در همان سال‌های اولیه فعالیت در طول ماه معمولاً یکی دو بار کهنه‌فروشی‌هایی را که در خیابان انقلاب یا جاهای دیگر فعالیت می‌کردند زیر پا می‌گذاشتم و هر چیز به در دبخوردی را که اغلب به نظر فروشندگانش ارزشی نداشت پیدا می‌کردم، می‌خریدم. نقشه‌های مختلف، کتاب‌های جغرافیایی و مجلاتی را که می‌توانستند اطلاعاتی به ما بدهند جمع‌آوری می‌کردم و از طریق اطلاعاتی که در آنها موجود بود با مؤسسات و مراکز جهانی جغرافیایی و کار توگرافی مکاتبه می‌کردم و ضمن ارسال آثار مؤسسه از آثاری که آنها متقابلاً می‌فرستادند، بهره می‌گرفتم.

از جمله مؤسساتی که موفق به مکاتبه و ارتباط با آنها شدیم مؤسسه‌ای به نام کلمبوس در آلمان بود. یک مؤسسه جغرافیایی و کار توگرافی دیگر هم به نام گوته در آلمان شرقی بود که با آنها نیز ارتباط برقرار کردیم.

ایران چاپ کرده‌ایم.

* ارتباطات با مؤسسات مرتبط در خارج از کشور چگونه است؟

مؤسسات جغرافیایی و کارتوگرافی امروزه برای ارتباط با هم‌تایان خود در دیگر کشورها اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل‌اند. در سفری که اخیراً به لندن داشتم با هماهنگی قبلی در هم‌اسمیت به مؤسسه‌ای به نام کوپر کولینز رفتم. این مؤسسه حدود سی اطلس به من هدیه کرد که به دلیل سنگینی قادر به حمل آنها نبودم و ضمن عذرخواهی، موضوع را به ایشان گفتم. من یازده شب در لندن بودم و هنوز به ایران بازنگشته بودم که این کتاب‌ها با بست DHL که هزینه آن هم پرداخت شده بود، ارسال شد و هنگام بازگشت، این کتاب‌ها روی میز من در مؤسسه بود. کتاب دیگری که متجاوز از سی، چهل سال است برای ما ارسال می‌شود، کتاب بریتانیکاست. حدود هفت سال پیش هنگامی که مقاله‌ای را برای موضوع کشورشناسی در رشد آموزش جغرافیا ترجمه می‌کردیم با اشکالی در این کتاب مواجه شدیم. آمار ارائه شده در اول کتاب با اطلاعات جدول انتهایی کتاب مطابقت نداشت. در آن سال‌ها ما این کتاب را از طریق برادرم که در سانفرانسیسکو اقامت داشت می‌خریدیم. از طرف مؤسسه نامه‌ای را برای مسئول آن بخش کتاب که اشکال داشت فرستادیم و موضوع تناقض مطالب کتاب را یادآور شدیم. آنها پس از بررسی و با تشکر از دقت نظر این مؤسسه اعلام کردند اطلاعات بخش اول کتاب درست است و اطلاعات جدول پایانی کتاب اشکال دارند. این مؤسسه از آن زمان تاکنون و در این هفت سال، همه‌ساله این کتاب را به صورت هدیه برای ما ارسال کرده‌اند. ما نیز همه‌ساله نمونه آثارمان را برای ایشان می‌فرستیم و بسیاری از اطلاعات ما و دیگر مؤسسات مشابه از رهگذر همین ارتباطات و تبادل آثار به‌دست می‌آید و اگر این ارتباطات نباشد ما برای تهیه آثار مناسب که حاوی اطلاعات جدید و متقنی باشند، دچار مشکل می‌شویم.

کتاب دیگری به نام فیشر از اتریش برای ما ارسال می‌شود. این کتاب را برادر آقای حاتمی از همکاران ما از وین برای ما می‌فرستد. این کتاب که سالانه چاپ می‌شود حاوی اطلاعات و رویدادهای تمامی کشورها را فضا گرفته تا کف اقیانوس‌هاست. ما از این کتاب هم برای مقالات رشد آموزش جغرافیا استفاده می‌کنیم.

* فناوری‌های جدید در حوزه ارتباطات و اطلاعات، چالش‌های جدی را فراروی تولیدکنندگان محتوا در زمینه‌های مختلف قرار داده است. آیا شما هم با این چالش روبه‌رو بوده‌اید؟

البته امروزه ما و همه ناشران با چالش‌های دنیای جدید نیز مواجهیم. ابزارها و فناوری‌های جدید با امکانات جذاب و فریبنده خود، مخاطبان بالفعل ما را به سوی خود کشانده‌اند. امروزه یک گوشی تلفن همراه می‌تواند حاوی مطالبی در زمینه نقشه‌ها و اطلس‌ها باشد که

چاپ کرد و با استفاده از کامیون آن‌را به آن کشور ارسال کرد. چند سال پیش هم یک قرارداد مناقصه بین‌المللی برای تهیه نقشه افغانستان به زبان فارسی گذاشته شده بود که ما هم در آن شرکت کردیم، ولی با وجود شرایط مناسبی که داشتیم، آلمان‌ها نفوذ کردند و امتیاز این کار را به خود اختصاص دادند. البته در حال حاضر هم ما مشتریان زیادی داریم که این نقشه‌ها را خریداری می‌کنند و برای فروش، آنها را به افغانستان می‌برند.

در کشورهایی مانند آذربایجان، ترکمنستان و قرقیزستان نیز منابع بسیار کمی در خصوص نقشه‌های جغرافیایی داریم. ما بارها از سفارت این کشورها در ایران تقاضا کرده‌ایم منابع خود را برای بهره‌برداری در اختیار ما قرار دهند، و علی‌رغم حسن نیتی که داشته‌اند، منابع مؤثری به ما ارائه نکرده‌اند.

* مؤسسه گیتاشناسی فعالیت‌هایی هم در زمینه معرفی راه‌ها و جاذبه‌های گردشگری ایران و کشورهای دیگر داشته است. ارزیابی شما از فعالیت‌های این حوزه چیست؟

نقشه‌هایی که مؤسسه گیتاشناسی تولید کرده و به چاپ رسانده است در موارد بسیار مورد استفاده و استناد قرار گرفته‌اند. در خصوص کتاب‌های مربوط به گردشگری اولین بار بعد از انقلاب اسلامی، آقای دیوید در پرت استرالیا نسبت به چاپ کتابی درباره ایران اقدام کرده بودند که وقتی من آن را با دقت مطالعه کردم، دیدم در بسیاری از موارد از نقشه‌های تهیه شده در مؤسسه گیتاشناسی استفاده شده است. امانت‌داری ایشان برای من جالب و درخور تقدیر بود؛ تمامی منابع را ذکر کرده بودند و حتی با نوشتن آدرس مؤسسه در تهران، از گردشگران خواسته بودند برای خرید نقشه‌های موردنظر خود در ایران به این مؤسسه مراجعه کنند.

در این میان باید به موضوع مهمی اشاره کنم. برخی مؤسسات خارجی در زمینه مسافرت و گردشگری با آنکه سوابق و تجارب ما را ندارند، ولی به رعایت حقوق معنوی دیگران و به دلیل رعایت استانداردها و مسائل حقوقی و انسانی، خیلی از ما پیش‌افتاده‌اند.

این مؤسسات برای اعتبار خود اهمیت خاصی قائل‌اند و برای مثال وقتی می‌بینند مردم دیگر کشورها آنها را مسئول معرفی کشورها می‌دانند برای یک جزیره کوچک مثل سنت‌وینسنت یا موریس یا یک کشور دورافتاده هم کتاب چاپ می‌کنند؛ کتابی که شاید توجیه اقتصادی نداشته باشد، ولی مجموعه کار آنها را کامل می‌کند.

ما مسائلی را که در حوزه کاری‌مان قرار دارد، در سطح بین‌المللی هم دنبال می‌کنیم. چندی پیش یک مؤسسه مطرح در زمینه کتاب‌های مسافرت و گردشگری کتابی در زمینه خاورمیانه چاپ کرده بود و در مورد ایران چیزی ننوشت. ما به این شرکت انتشاراتی نامه نوشتیم و دلیل این کار را جویا شدیم. آنها پاسخ دادند به دلیل این که ایران دارای قوانین ویژه‌ای برای مسافرت است، ما کتاب خاصی ویژه

چند سال قبل احتمالاً در اختیار و انحصار یک سازمان یا مؤسسه خاص بود.

همچنین سایت گوگل یا ویکی‌پدیا در کمترین زمان ممکن دقیق‌ترین و جزئی‌ترین اطلاعات را در اختیار مخاطب قرار می‌دهند. البته هنوز هم چیزی نتوانسته است جای کتاب را بگیرد. رقبا زیاد شده‌اند، ولی هوشمندی و تهیه اطلاعات مستند و دست اول می‌تواند هنوز هم حرف اول را بزند. شاهد مثال این حرف من هم این است که در همین دنیا و در همین رقابت تنگاتنگ، کتاب آرماناک با هشتاد میلیون نسخه چاپ و به فروش می‌رسد.

همین امروز برای مؤسسه یک نامه الکترونیکی آمده بود و می‌خواستند تلفظ درست نام یک روستا در ایران را برایشان بگویند. این اتفاقات در همین دنیایی می‌افتد که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی همه‌جا را تسخیر کرده‌اند.

در سال ۱۹۷۹ چهار جلد کتاب درباره ایران در اتریش چاپ شده بود که من با استفاده از اطلاعات آن کتاب‌ها جواب را پیدا کردم و پاسخ را برای متقاضی ارسال کردیم.

*** به نظر می‌رسد مؤسسه گیتاشناسی در این زمینه نتوانسته است آن گونه که شایسته است ظاهر شود. نظر تان چیست؟**

بله، این زمینه جای کار بسیار دارد و اتفاقاً از زمینه‌هایی است که باید به آن توجه داشته باشیم و گرنه در آینده کار رقابت را برای ما سخت‌تر خواهد کرد. ما هم نتوانسته‌ایم آن طور که شایسته است از امکانات موجود در دنیای نوین بهره ببریم و مؤسسه باید در برنامه‌های آینده خودش این نقیصه را رفع کند.

البته مشکلاتی وجود دارد که ما نتوانسته‌ایم به‌طور کامل وارد این عرصه شویم. هزینه‌های تبلیغ و اطلاع‌رسانی بسیار بالاست و متقابلاً این تبلیغات آن چنان که مورد انتظار است، تأثیر ندارد.

سال گذشته، مؤسسه نقشه کلان شهر کرج را در چهار شیت بزرگ در قطع ۲ متر در ۱/۵ متر برای اولین بار در جهان چاپ کرد.

من برای چاپ این نقشه خیلی هیجان داشتم و به عنوان یک فرزند به آن نگاه می‌کردم. برای معرفی این کار ۲۸۰۰۰/۰۰۰ ریال هزینه کردیم و آگهی مربوط به آن در نشریات با شمارگان بالا هم چاپ شد، ولی حتی پول همان آگهی هم برنگشت. این حدیث کار در این حوزه است که اگر به واقع پای عشق و علاقه در میان نباشد، کار متوقف می‌شود. کششی که در جغرافیای عشق وجود دارد، ما را پای این کار نگه داشته است و باز هم فردا با اولین تماس تلفنی یک ایرانی علاقه‌مند به این حوزه، همه مشکلات را فراموش می‌کنیم و روز از نو، روزی از نو! لذتی که برای من در فروش یک نقشه ایران وجود دارد، در فروش این ساختمان که مؤسسات اقتصادی زیادی طالب و خریدار هستند، وجود ندارد.

* ... و حرف آخر!

۲۶ سال پیش، انتشار مجله آموزش رشد جغرافیا یک اتفاق مهم بود. در روزگاری که هیچ مجله‌ای در این زمینه برای معلمان و کارشناسان این حوزه وجود نداشت، انتشار چنین مجله‌ای پاسخ‌گویی به یک نیاز واقعی و جدی بود. گرچه حالا صد شماره از این مجله با موفقیت منتشر شده است، ولی باز هم نیاز به مراقبت و برنامه‌ریزی دارد تا به گونه‌ای مفید و مناسب براساس نیازهای واقعی و روز مخاطبانش منتشر شود. من برای مسئولان آموزش و پرورش و همه دوستانم در هیئت تحریریه این مجله آرزوی موفقیت و سرفرازی دارم.

همچنین باید تأکید کنم جایگاهی که امروز مؤسسه گیتاشناسی بر آن تکیه دارد با تلاش‌ها و فعالیت‌های طاقت‌فرسای مرحوم پدر، برادران خوب و همراهم و همه اعضای تیم مؤسسه گیتاشناسی فراهم شده است و اگر توفیقی حاصل شده است نقش من هم در همه این توفیقات فقط به عنوان یک عضو این خانواده کوچک، اما صمیمی بوده است و بنده به سهم خود قدران همه این تلاش‌ها هستم.

ما خدمت‌گزار مردم ایران هستیم و ایمان داریم که هرچه داریم متعلق به این مردم است.

امیدوارم خداوند به ما توفیق دهد که باقی‌مانده عمر را هم به شایستگی در همین مسیر بگذرانیم و بتوانیم نقشی را که به عنوان یک عضو جامعه عهده‌دار آن هستیم به خوبی ایفا کنیم. من و دوستانم تا هستیم برای رشد جغرافیا تلاش خواهیم کرد.

امیدوارم نتیجه این دیدار و گفت‌وگو برای رشد جغرافیا و تمام کسانی که در حال و آینده آن را می‌خوانند، مفید و مؤثر باشد؛ ان‌شاءالله.



محمدحسین رامش
دکتر
دانشگاه محل تحصیل:
تربیت مدرس
دانشگاه محل کار:
اصفهان
نمونه‌ای از آثار: مقالات
متعدد



شهریار خالدی
دکتر
دانشگاه محل تحصیل:
سوربن فرانسه
دانشگاه محل کار: شهید
بهشتی
نمونه‌ای از آثار:
محیط‌زیست و جغرافیا